ادعای عجیب زن جوان برای فرار از خانه

22 فروردین 1401

زن جوان که حدود دو ماه به طرز مرموزی ناپدید شده بود پس از پیدا شدن مدعی شد به‌خاطر رفتارهای شوهرش از خانه فرار کرده بود.

مدتی قبل مرد جوانی به دادسرای امور جنایی تهران رفت و از ناپدید شدن همسرش خبر داد و گفت: دو سال قبل از طریق یکی از دوستانم با فتانه آشنا شدم و باهم ازدواج کردیم. ما در خانه‌ای در شمال تهران سرایدار هستیم و با اینکه وضع مالی چندان خوبی نداشتیم اما زندگی خوبی داشتیم.

او ادامه داد: 40 روز قبل، برای انجام کاری از خانه خارج شدم و زمانی که برگشتم از همسرم خبری نبود. ابتدا تصور کردم که برای خرید از خانه خارج شده اما او دیگر برنگشت. دوست و آشنا و فامیل هم از همسرم خبر ندارند و می‌ترسم برای او اتفاقی رخ داده باشد. تلفن همراهش نیز خاموش است و من هیچ راهی برای پیدا کردن او ندارم.

با شکایت مرد جوان، تحقیقات به دستور بازپرس حبیب‌الله صادقی برای یافتن زن جوان آغاز شد. در حالی که ردیابی‌ها در این خصوص ادامه داشت، همسر فتانه دوباره به دادسرا رفت و گفت: همسرم از طریق تماس اینترنتی با مادرش گفته که حالش خوب است و نگرانش نباشند.

به‌دنبال اطلاعاتی که همسر فتانه در اختیار تیم تحقیق قرار داد، آموزش‌های لازم به مادر فتانه داده شد و از او خواستند که اگر دخترش تماس گرفت به بهانه‌ای با او قرار ملاقات بگذارد. مادر فتانه نیز به بهانه دیدن او، از دخترش خواست که به خانه عمه‌اش بیاید و زمانی که زن جوان راهی خانه عمه‌اش شد، مأموران به سراغ او رفته و وی را به اداره آگاهی منتقل کردند.

اخاذی به دستور همسر

زن جوان در تحقیقات گفت: من تحصیلکرده‌ام و لیسانس دارم، اما با مدرکم نتوانستم کار کنم و به ناچار به همراه همسرم کار سرایداری را انتخاب کردیم، اما سرایداری برای من که مدرک دانشگاهی دارم سخت بود با این حال چون همسرم را دوست داشتم با آن کنار آمدم، اما مشکل اصلی من از زمانی شروع شد که همسرم رفتارش تغییر کرد.

او ادامه داد: پیمان دوست داشت پولدار شویم و همیشه می‌گفت با سرایداری نمی‌توان زندگی مرفهی داشت به همین دلیل نقشه پولدار شدن را کشید و مرا مجبور کرد که آن را اجرا کنم. اصلاً با این کار موافق نبودم اما شوهرم مدام مرا کتک می‌زد و چاره‌ای جز قبول خواسته او نداشتم.

زن جوان گفت: شوهرم مرا مجبور می‌کرد به عنوان مسافر سر راه راننده‌هایی که خودروهای مدل بالا داشتند، بایستم و سوار خودروی آنها شوم و با نقشه‌ای که شوهرم کشیده بود از آنها اخاذی کنم هر چه پول هم از این اخاذی‌ها به‌دست می‌آوردم به حساب شوهرم واریز می‌شد و مالباخته‌ها هم به خاطر ترس آبرویشان، شکایتی نمی‌کردند.

او ادامه داد: از کاری که می‌کردم ناراضی بودم و عذاب وجدان لحظه‌ای مرا رها نمی‌کرد. بعد از مدتی تصمیم به طلاق گرفتم اما او شرطی برای جدایی گذاشت که در توانم نبود. باید 100 میلیون تومان پرداخت می‌کردم تا مرا طلاق بدهد. اختلاف ما ادامه داشت تا اینکه در اینستاگرام با زن جوانی آشنا

شدم. او از ترکیه لباس می‌آورد و در ایران می‌فروخت. وقتی از زندگی من باخبر شد، گفت که فرار کنم و به خانه‌اش بروم. قرار شد مدتی در فروش لباس‌های خارجی به او کمک کنم و کمی که پول جمع کردیم برای زندگی به ترکیه برویم. پیشنهاد خوبی بود و آن را پذیرفتم، از خانه شوهرم مخفیانه فرار کردم، اما بعد از مدتی نگران مادرم شدم، می‌دانستم که او از این ناپدید شدنم حالش بد می‌شود و تصور می‌کند بلایی سر من آمده است، به همین دلیل با مادرم تماس گرفتم.

در حالی که زن جوان چنین اظهاراتی را درخصوص ناپدید شدن خود اعلام کرد، همسرش ادعای متفاوتی را بیان کرد و گفت: فتانه بیمار روانی است و تمام حرف‌های او ناشی از توهم بیماری‌اش است. ما باهم اختلاف نداریم و هرگز او را مجبور نکردم که دست به چنین کاری بزند.

به دستور بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی پایتخت، تحقیقات برای بررسی اظهارات زن جوان ادامه دارد.